

خوانش تطبیقی معماری کاخ الحمرا و قطعه خاطرات الحمرا اثر فرانسیسکو تارگا

پژمان دادخواه^۱، فرناز خیابانی^۲

۱. استادیار موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران.

۲. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

[تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱]

چکیده

کاخ الحمرا مجموعه‌ای با معماری شاخص در اسپانیاست که الهام‌بخش هنرمندان برای آفرینش‌های هنری بوده‌است. فرانسیسکو تارگا، آهنگ‌ساز رماتیک، تحت تاثیر زیبایی منحصر به فرد کاخ الحمرا، دست به خلق اثری ماندگار با نام خاطرات الحمرا برای گیتار کلاسیک زده‌است. این قطعه با تکنیک ترمولو اجرا می‌شود و از قطعات مهم در رپرتوار گیتار کلاسیک است. با توجه به اهمیت این قطعه برای نوازندگان، هدف این مقاله خوانش تطبیقی معماری کاخ الحمرا و قطعه خاطرات الحمرا است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، ابتدا عناصر مشترک معماری و موسیقی را مورد مذاقه قرار داده، سپس عناصر تاثیرگذار و الهام‌بخش معماری کاخ در نگارش ملودی خاطرات الحمرا مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با وجود تفاوت در دنیای معماری و موسیقی، بنای کاخ الحمرا و قطعه خاطرات الحمرا اشتراکاتی مانند کاربرد ریتم، تقارن یا تناسب و هم‌آهنگی در اجزای ساختار با هم داشته و با تاثیری که بر هم می‌گذارند، ادراک و احساس مخاطب را تحت تاثیر قرار می‌دهند. برخی از این اشتراکات، ابزارهایی در دست هنرمند برای آفرینش و خلق اثری تاثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی

کاخ الحمرا، قطعه خاطرات الحمرا، فرانسیسکو تارگا، معماری اسپانیایی، گیتار کلاسیک.

مقدمه

مشترکی به وجود آورده‌اند. شنتی تلاش می‌کند تا سلطه و استعمار مورها در اسپانیا و تعصبات نشات گرفته از تفاوت کیش و آیین و نژاد را فراموش کند و به دور از هر قضاوتی، یک معماری تزیین شده با نوشته‌های عربی - اسلامی روی دیوار با حوض‌ها و استخرهای زیبا که انعکاس نور در آب درخشندگی خاصی به محیط می‌بخشد، تداعی کند. در این قطعه آوازهای عربی و زمزمه الله الله و محمد نبی رسول الله تأثیر عمیق عرب مسلمان را هم در موسیقی و هم بر فرهنگ و جامعه اسپانیای غربی نشان می‌دهد. آهنگ‌ساز در تمام قطعه از ملودی زیبای گیتار و همراهی کاستانت، پالماس و پرکاشن خاص فلامنکو استفاده کرده‌است. این قطعه یک ساعته، الحمرا را بهانه‌ای قرار داده تا ارزش‌مندترین خصلت‌ها که هشدار برای حفظ انسانیت و عدالت است، به یاد آورد (همان، ۵۴). در این مقاله، از بین این آثار، قطعه «خاطرات الحمرا» برای گیتار کلاسیک اثر فرانسیسکو تارگا مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

سوال اصلی این پژوهش به این شرح است: معماری کاخ الحمرا و قطعه خاطرات الحمرا اثر فرانسیسکو تارگا چه تفاوت و تشابهی به هم دارند؟ در پی پاسخ به سوال اصلی، سوال‌های فرعی نیز پاسخ داده می‌شوند: ۱ - عناصر ساختاری و زیبایی‌شناختی کاخ الحمرا شامل چه مواردی می‌شود؟ ۲ - قطعه خاطرات الحمرا از چه عناصر ساختاری و زیبایی‌شناختی تشکیل شده‌است؟ ضرورت و اهمیت تحقیق در این است که با توجه به اهمیت قطعه خاطرات الحمرا در رپرتوار گیتار کلاسیک، مطالعه مفهومی این اثر برای اجرای بهتر قطعه موثر خواهد بود. از این‌رو، این پژوهش در پی اطلاعاتی است که از خوانش تطبیقی معماری کاخ الحمرا و قطعه خاطرات الحمرا اثر فرانسیسکو تارگا به دست می‌آید.

پیشینه تحقیق

با عنوان دقیق پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای صورت نگرفته‌است اما منابع مکتوبی شامل مقالات و پایان‌نامه‌ها به مطالعه تطبیقی آثار معماری و موسیقی پرداخته‌اند که گرچه ذکر و مرور ادبی همه پژوهش‌ها از عهده این پژوهش خارج است، به تعدادی از آن‌ها، بر اساس تقدم و تاخر تاریخی اشاره می‌شود:

هنر تجلی زیبایی است و هنرها گوشه‌ای از این زیبایی را با بیانی منحصر به فرد، به تصویر می‌کشند. این منحصر به فرد بودن بیان، آن‌ها را از ارتباط با هم باز نداشته و باعث به وجود آمدن اشتراکاتی با هم شده‌است. معماری و موسیقی در هر فرهنگی، اختلافاتی در ظاهر، زبان و ماهیت (عینی و تجربیدی بودن) داشته، اما در مواردی بر هم تأثیرگذار بوده و اشتراکاتی دارند. یک بنا یا یک قطعه موسیقایی در هنگام خلق از عناصری الهام می‌گیرد که یکی از این عناصر مشترک، فضا است. این عنصر مشترک در معماری با کالبد مادی و در قالب عنصر ملموس دیده می‌شود، اما در موسیقی ساختار غیرمادی و ناملموس دارد. علاوه بر این معماری ایستا ولی موسیقی جاری در زمان است. خوانش رابطه بین موسیقی و معماری موضوع این پژوهش است و کشف و شناخت جلوه‌ها و عناصر مشترک موسیقی و معماری و تجزیه و تحلیل آن‌ها در بُعد مکان و زمان، مورد نگرش قرار می‌گیرد.

کاخ الحمرا از بناهای به یادگارمانده معماری اسلامی در اسپانیا است. این کاخ مجموعه‌ای است چشم‌گیر و خارق‌العاده با شهرت جهانی. بارها موضوع مشترک هنرمندان قرار گرفته‌است که گاه تعبیر عادی از آن داشته و گاه اثری باشکوه خلق کرده‌اند. قطعه موسیقی «چشم‌های الحمرا» اثر ویسنته آمیگو، «خاطرات الحمرا»^۲ فرانسیسکو تارگا، «الحمرا»^۳ اولیور شنتی^۴ آثاری هستند که این بنای باشکوه، الهام‌بخش خلق آن‌ها بوده‌است. الحمرا اثر ویسنته آمیگو سعی دارد با آواز عربی و به کار بردن لهجه شرقی، تأثیر مورها را در موسیقی‌اش بیان کند. این قطعه فلامنکویی از آلبوم Ciudad de las Ideas است که جایزه لاتین گرمی سال ۲۰۰۱ را برای بهترین آلبوم فلامنکو از آن خود کرده‌است. خوانندگان و نوازندگان مطرحی در این کار هنرنمایی کرده‌اند تا ترکیب بی‌نظیر و متفکرانه در تمام بخش‌های این موسیقی، تاریخچه اسپانیا را با فرهنگ مورها و اعراب مسلمان پیوند دهد (نیک‌اندام، ۱۳۸۳، ۵۳). الحمرا اثر اولیور شنتی، الحمرای مقارن با دوره درد و اندوه، نژادهای گوناگونی را به تصویر می‌کشد که برای رهایی از فشار و اختناق آن قدر به هم نزدیک شده‌اند که میراث فرهنگی - موسیقایی

تمرکز دارند که معماری در ارتباط با موسیقی است. این پژوهش بررسی کاربردی زیبایی‌شناسی در حوزه معماری و موسیقی را مورد بحث قرار داده و سپس الگویی مطلوب برای فضای معماری هم‌گون با مفاهیم موسیقی ارائه می‌دهد.

شاهین خلیلیان، فائزه یزدانی‌رستم و ملیکا امینی‌نجفیان (۱۴۰۰)، در مقاله « بررسی ارتباط هنر معماری و هنر موسیقی در معماری بنای برج آزادی» تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هنرها از یکدیگر را عنوان کرده و به بررسی این تاثیر و پیوند در برج میدان آزادی به‌عنوان یکی از بناهای ماندگار ایرانی می‌پردازد و تاثیر موسیقی در معماری آن را مورد خوانش قرار می‌دهد. با توجه به نقشه برج، استفاده از تقارن، ارتفاع، احساس، ریتم، وزن، سرعت و هارمونی و ... که از خصوصیات موسیقی است در طراحی برج دیده می‌شود و این، نشان از تاثیر تناسب و مفاهیم موسیقی بر تناسب معماری برج آزادی است.

مریم پورذکریا و سمیرا احمدزاده (۱۳۹۹)، در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی و ترجمان تصویری ملودیک هنر موسیقی به هنر معماری با تامل بر عناصر بصری نقطه، خط و سطح» رابطه معماری و موسیقی را در یک فرهنگ مورد بررسی قرار می‌دهند. مقاله، رابطه بین معماری و موسیقی را در ده دسته سلسله‌مراتب، اصل وحدت، تقارن و انعکاس، ضرب یا ریتم و تکرار، تضاد، افت و خیز، عامل مفروض، رنگ، پرسپکتیو و تناسب ریاضی مورد بررسی قرار داده است.

فرهاد شریعت‌راد (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «پیوندهای معنایی معماری و موسیقی تاملی بر قدر مشترک معماری و موسیقی ایران» بیان می‌دارد که موسیقی، هنری انتزاعی و معماری، هنری کاربردی است. هر دو هنر مشترکاتی دارند که به بررسی این ویژگی‌های مشترک می‌پردازد و ویژگی‌های کمی و کیفی مشترک را با رویکردی تاویلی بیان می‌دارد و در پایان مولفه‌هایی برای شناخت قدر مشترک معنایی معماری و موسیقی ایرانی معرفی می‌کند.

مهتاب مبینی، علی میرزاکلهر و نرگس ذاکرجعفری

آرمین رحیمیوند و هانیه خدایی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی عوامل پیوندهای مفهومی معماری و موسیقی ایران» عوامل پیوند مفهومی معماری و موسیقی را مطالعه کرده و به بررسی سلسله‌مراتب، وحدت، تناسب، تقارن، ریتم، تکرار، تاکید، تضاد و هارمونی می‌پردازد. این پژوهش عنوان می‌دارد که فضا، شاخص‌ترین عامل پیوند معماری و موسیقی ایرانی است و این دو هنر، ابزاری در دست هنرمند برای بیان و انتقال احساس و درک مشابه هستند.

حسین مسعودی‌سلطان (۱۴۰۱)، در «شناسایی و بررسی اصول مشترک در معماری و موسیقی دستگاهی (ردیف)» موسیقی سنتی ایران را با معماری قدیم ایران مورد بررسی قرار داده و در انتها بیان می‌دارد که موسیقی دستگاهی که در آن ارتباط عمیق با فرهنگ ایرانی حفظ شده، در واقع ارتباط با معماری گذشته ایرانی بوده است که یکی در شنیدار و دیگری در دیدار زیبایی و اصالت ایرانی را متجلی کرده‌اند.

مهلا معتمدیان و صدرام (۱۴۰۱)، در پژوهشی با موضوع «رابطه معماری و موسیقی از دیدگاه استیون هال» به رابطه بین معماری و موسیقی اشاره کرده و بیان می‌دارد که استیون هال با هدف توسعه پتانسیل‌های معماری، هنر و نظریات خود در این زمینه را طراحی کرده و از فضا در موسیقی و معماری سخن گفته است. در انتهای مقاله از اسکیس در معماری که یکی از ابزارهای کار در این زمینه است استفاده شده تا نت‌های موسیقی بهتر خوانده شود.

سما شکول، پیمان نقیپور، سید مسعود لهاورنیا (۱۴۰۱)، در مقاله «نقش موسیقی در معماری با رویکرد هنر» بیان می‌دارند که معماری و موسیقی با وجود ظاهر کاملاً متفاوت به لحاظ منشا مشترک درک و آفرینش یعنی انسان، دارای بنیادهای مشترکی در این فرآیند هستند و درون‌مایه‌های مفهومی و کاربردی در آن‌ها از جایگاه خاصی برخوردار است و تاثیرات ادراکی مشابهی ایجاد می‌کند.

فرهاد چشمی و سمانه تقدیر (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «معماری و موسیقی: یک حضور متقابل» بر حوزه‌هایی

بررسی وجوه متشابه در اصول موسیقی ایرانی و معماری باغ ایرانی پرداخته و باغ فین کاشان را مورد بررسی قرار داده‌است. در این پژوهش دوازده اصل مورد بررسی قرار گرفته‌است.

سارا سوهانگیر و ویدا نوروز برازجانی (۱۳۹۱)، در «مطالعه تطبیقی پیوند مفهومی میان فضای موسیقی و معماری در دوران پیش از مدرن و پس از آن در جهان غرب» به مقایسه رابطه مفهوم فضا در موسیقی و معماری در دو بازه زمانی پیش از مدرن (قرون چهاردهم تا هجدهم میلادی) و پس از مدرن (قرون هجدهم تا بیست و یکم میلادی) به بررسی مفهومی میان این دو هنر می‌پردازد.

سارا پوریوسف‌زاده، محمدرضا بمانیان و فریال احمدی (۱۳۸۹)، در مقاله «بازشناسی وجوه اشتراک معماری و موسیقی» به مطالعه معماری و موسیقی سنتی ایران می‌پردازند و سعی در رده‌بندی اشتراکات و مطرح کردن وجوه مشترک بین این دو هنر دارند. این پژوهش در انتها با مقایسه وضعیت کنونی معماری و موسیقی سنتی ایران تدوین مرجع جامعی از الگوهای فضایی معماری ایران را به‌عنوان راهکار معرفی می‌نماید.

روش تحقیق

این تحقیق از منظر هدف، کاربردی و از منظر شیوه انجام، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی (از نوع میان‌رشته‌ای) بود. اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به‌دست آمد.

معماری کاخ الحمرا

کاخ الحمرا که به «لاله آندلس» شهرت دارد، مجموعه‌ای از چندین بنا است که ساخت بخش عمده این مجموعه به عهد بنی نصر بازمی‌گردد و هر کدام از حاکمان بنی نصر بنایی به مجموعه اضافه کرده‌اند. کلمه الحمرا یک واژه عربی به معنای سرخ‌گون است. برخی معتقدند نام الحمرا از نام موسس سلسله بنی نصر، «محمد بن یوسف بن الاحمر» معروف به ابن الاحمر گرفته شده‌است که بنا به نظر برخی منطقی به نظر نمی‌رسد، بلکه غالب بودن رنگ قرمز علت اصلی این نام‌گذاری است (چلونگر و عباسی، ۱۳۸۷، ۶۴). آن‌طور که میرزایی و سالاری‌نسب

(۱۳۹۶)، در «عناصر زیبایی‌شناسانه مشترک در معماری و موسیقی با مطالعه موردی دوره رنسانس» موسیقی و معماری را در دوره رنسانس مورد بررسی تطبیقی قرار داده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را معرفی کرده‌اند. بازه مکانی در این مقاله، کشور ایتالیا و اروپای مرکزی و غربی است. نتیجه به‌دست آمده از بررسی تطبیقی معماری و موسیقی نشان می‌دهد که موسیقی و معماری در شش مورد ویژگی مشترک دارند و در این ویژگی‌های مشترک حرکتی هم‌سو در دوره رنسانس به نمایش می‌گذارند که نشان‌گر تاثیر متقابل آن‌هاست.

فرناز حجتی و منوچهر فروتن (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی ساختارهای فضایی در معماری و موسیقی سنتی ایران» به وجه فضا در معماری سنتی ایران پرداخته و ساختارهای معماری و موسیقی ایرانی را مقایسه می‌کنند. در نهایت بر اساس نوع ارتباط فضایی و ساختار مشترک فضای آن‌ها، بخش‌هایی از معماری را بر اساس ردیف موسیقی سنتی دسته‌بندی کرده و نتیجه نشان می‌دهد که بین نحوه تبدیل فضا در معماری سنتی ایران و نحوه تبدیل گوشه‌های موسیقی سنتی تشابه ساختاری وجود دارد.

فریدون فراهانی (۱۳۹۲)، هدف مقاله خود با عنوان «سیمای معماری در موسیقی جهان از دوره رمانتیک تا معاصر» را یافتن همانندی‌های موسیقی و معماری بر اساس تحلیل هفت اثر موسیقی برنامه‌ای سبک رمانتیک و پس از آن عنوان می‌کند. یافته‌ها بیان می‌کند که بازنمایی فضای عینی معماری به فضای ذهنی موسیقایی یا همان محاکات صداهایی که در فضاهای معماری و شهری نقش کلیدی دارند، با تداعی‌گری موسیقی یاری رسانده و ذهن را به موضوع اصلی هدایت می‌کند. موسیقی توان القای احساسات مشابه معماری و تداعی تصویر را دارد.

حسن ستاری ساربانقلی و مهلقا شاهد (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی وجوه تشابه مفاهیم موسیقی ایرانی و معماری باغ ایرانی» معماری و موسیقی را به‌عنوان تجلی بخش‌هایی از هنر روح آدمی دارای جلوه‌های جمالی و جلالی مشابه در عرصه بروز و ظهور می‌دانند. این پژوهش به مطالعه و



تصویر ۱. مقرنس کاری سقف تالار دو خواهران (URL 1).

است که تأثیرات مسیحیان هم در آن دیده می‌شود. از جمله تزیینات به کار رفته می‌توان به آئینه‌کاری، مقرنس، گنبد هندسی، سرستون‌های گل‌دار، طرح‌های اسلیمی، نوشته‌های کوفی الوان اشاره کرد.

-مقرنس‌ها

از انواع طرح‌های اسلامی و الگوهای متناسب که در تزیینات الحمرا به کار گرفته شده، مقرنس کاری‌های سقف تالار دو خواهران، از فاخرترین مقرنس کاری‌های گنبد در جهان اسلام است (پرایس، ۱۳۵۶، ۴۵۳، تصویر ۱). این مقرنس به صورت توده‌ای خیال‌انگیز، پنج هزار سلول منفرد را تشکیل می‌دهد که به نظر در حرکت دایم هستند (تصویر ۲). مونته‌گمری وات، پارتنون باشکوه و معروف به یادگار مانده از یونان باستان را با الحمرا مقایسه کرده و الحمرا را مورد ستایش قرار می‌دهد و برتر از پارتنون می‌شمارد (وات، ۱۳۵۲، ۲۰۹). مقرنس کاری در هنر اسلامی، از ایران به مصر و آسیای صغیر راه یافت و در آندلس و به خصوص الحمرا به اوج کمال رسید (کونل، ۱۳۵۵، ۱۱۲). مقرنس نوعی کاربندی متشکل از طاس‌هایی است که در ردیف‌هایی انتظام می‌یابند و هر ردیف، خود حامل ردیف دیگری است که از بالای آن بیرون می‌زند و می‌تواند نقش سازه‌های و تزیینی در بنا را بر عهده گیرد (نجیب اوغلو، ۱۹۹۵، ۴۰۷). مقرنس معمولا در سطح فرورفته گوشه‌های زیر سقف ساخته می‌شود.

عنوان می‌کنند الحمرا را می‌توان در واقع لایه‌هایی از اقامت‌گاه‌های سلطنتی و در شکل نهایی آن به عنوان آکروپولیس مغربی توصیف کرد یا به عنوان شهر سلطنتی خودکفایی که به صورت یک مقر حکومتی عملکرد داشته است، شناخت. آرایشی از گوشک‌هایی که در میان باغ‌ها و چارک‌ها قرار داشته و در بسیاری از آن‌ها حیواناتی نگهداری می‌شده و به طور اجمالی یک پردیس وسیع بوده است (میرزایی و سالاری‌نسب، ۱۴۰۰). مونته‌گمری وات^۲ وقتی پارتنون معروف یونانی را با الحمرا مقایسه می‌کند، الحمرا را می‌ستاید و با تأکید بر این مورد که تمدن اسلامی دشمنی است که حتی در لحظه تحسین باید از آن ترسید، آن را تحسین کرده و برتر از پارتنون می‌داند (وات، ۱۳۵۹، ۲۰۹). دژ الحمرا دارای چهار دروازه است: دروازه سپاهان، دروازه بیرونی، دروازه هفت طبقه و دروازه قانون و تالارهای مجموعه الحمرا که هفت تالار است با نام‌های تالار غذاخوری، تالار اسماعیل، تالار دو خواهران، تالار و حیاط شیران، تالار ابن سراج، تالار یوسف سوم، تالار سان فرانسیسکو شناخته می‌شوند. و همین‌طور کاخ مارس، کاخ کارلوس پنجم و اتاق طلایی از دیگر بخش‌های مجموعه بنای الحمرا است.

ویژگی‌های معماری بنای الحمرا

بناهای الحمرا نمونه بارز رشد هنر اسلامی مغربی در اسپانیا است و یکی از ویژگی‌های بارز معماری الحمرا، درونگرایی است بدین معنا که تزیینات بیش‌تر در داخل بنا به کار رفته است. دقت و ریزه‌کاری فوق‌العاده الحمرا با گچ‌کاری‌ها و کنده‌کاری‌ها، تعجب بینندگان را همواره به همراه داشته است (چلونگر و عباسی، ۱۳۸۷، ۶۹). کل بناهای مجموعه به سه عنصر تقسیم می‌شوند: کاخ‌ها، دیوان، حرم. علاوه بر آنکه نقش آب و باغ در الحمرا بسیار حائز اهمیت بوده و کارکرد عملی، زیبایی‌شناختی و روان‌شناختی دارد، تزیینات و به خصوص مقرنس کاری‌های بنا، شگفت‌انگیزترین قسمت آن است. تکرار در این بنا به خصوص در طرح‌ها و نوشتار شعار «لا غالب الا الله» دیده می‌شود (همان، ۷۴).

تزیینات به کار رفته در بنای الحمرا

الحمرا از بناهای ساخته شده به شیوه معماری اسلامی



تصویر ۲. بخشی از مقرنس کاری کاخ الحمراء (URL 2).

۱۳۸۸، ۸۴). اگر یک بنای چهارطاقی را در نظر بگیریم که گنبدی ساده دارد، تنها در چهار گوشه، چهار واحد مقرنس خواهد بود و اگر این تقسیمات فراتر رود، مقرنس چهارضلعی را به دایره تبدیل خواهد کرد (انصاری، ۱۳۶۰، ۱۵-۱۶). مقرنس کاری سقف تالار دو خواهران آن طور که در کتیبه این تالار ذکر شده، برای تجسم آسمان دوار بوده است (هیلن براند، ۱۳۸۰، ۴۵۳).

- کتیبه‌ها، خطوط و طرح‌ها

سرستون‌های گل‌دار، خطوط و طرح‌های اسلیمی و نوشته‌های کوفی به وفور در بناهای مجموعه الحمراء به کار رفته است. از نظر اکثر محققان، هنر تجمل‌گرا و تزئین‌نمای بنی‌نصر به خوبی در این بناها خود را نشان می‌دهد (چلونگر و عباسی، ۱۳۸۷، ۷۱) (تصویر ۴). در الحمراء انواع مختلفی از نقوش وجود دارد: کتیبه‌هایی که با تزئینات سطوح ترکیب شده‌اند، نقل‌قول‌هایی از قرآن و مفاهیم دینی را بیان می‌کنند و کتیبه‌هایی منظوم و با اشعار به زبان عربی در ستایش سلطنت (تصویر ۵).

یک واحد مقرنس می‌تواند یک چهارم، یک هشتم یا یک شانزدهم گنبد را دربرگیرد (انصاری، ۱۳۶۰، ۱۵، تصویر ۳).

سه نظر در چگونگی فرم و تکنیک مقرنس تا اندازه‌ای روشن است:

۱- مقرنس در سطح مقعر گوشه‌های زیر سقف ایجاد می‌شود و احتمالاً فکر این که گوشواره به این المان تزئینی منشا داده، تقویت شده است.

۲- واحد مقرنس ربع گنبد یا در واقع یک هشتم کره و در این صورت یک قسمت از دیواره کره که با سایر سطوح مشابه خود یک سطح مقعر بزرگ‌تر را زینت می‌دهد.

۳- مقرنس تزئینی است که از قرار گرفتن سطوح مقعر در کنار یا روی هم به طور مرتب یا متضاد تشکیل می‌شود که گاهی خانه‌های لانه زنبوری را القا می‌کند (زمانی، ۱۳۷۰، ۱۳).

هدف مقرنس در درجه نخست ایجاد سایه‌روشن و القای خطوط مختلف و در درجه دوم فراهم کردن سطوح بیش‌تر برای اجرای تزئین‌های ظریف‌تر است (مهدی‌نژاد،



تصویر ۳. بخشی از مقرنس کاری کاخ الحمرا (URL 3).

می‌شود. نیک اندام عنوان می‌دارد که در این قطعه از ترکیب متنوع سازی و آواز و تکنیک و فضای متفاوت خبری نیست و لطافت سرشار از غم عمیق الحمرا در بیان تارگا فقط با ساز گیتار کلاسیک اجرا می‌شود. آهنگ‌ساز شاید اعتقاد بر این داشت که هر چیزی به آن اضافه شود مخاطب را از مرکز ثقل اندیشه‌ای که خود برای مان ساخته، دور خواهد کرد. این قطعه ساده و زیبا بیش‌تر در جهت بیان زیبایی و ظرافت تاریخی الحمرا است و یک گفتمان بی‌ریا و عمیق موسیقایی را بیان می‌کند (نیک اندام، ۱۳۸۳، ۵۳).

تجزیه و تحلیل قطعه خاطرات الحمرا

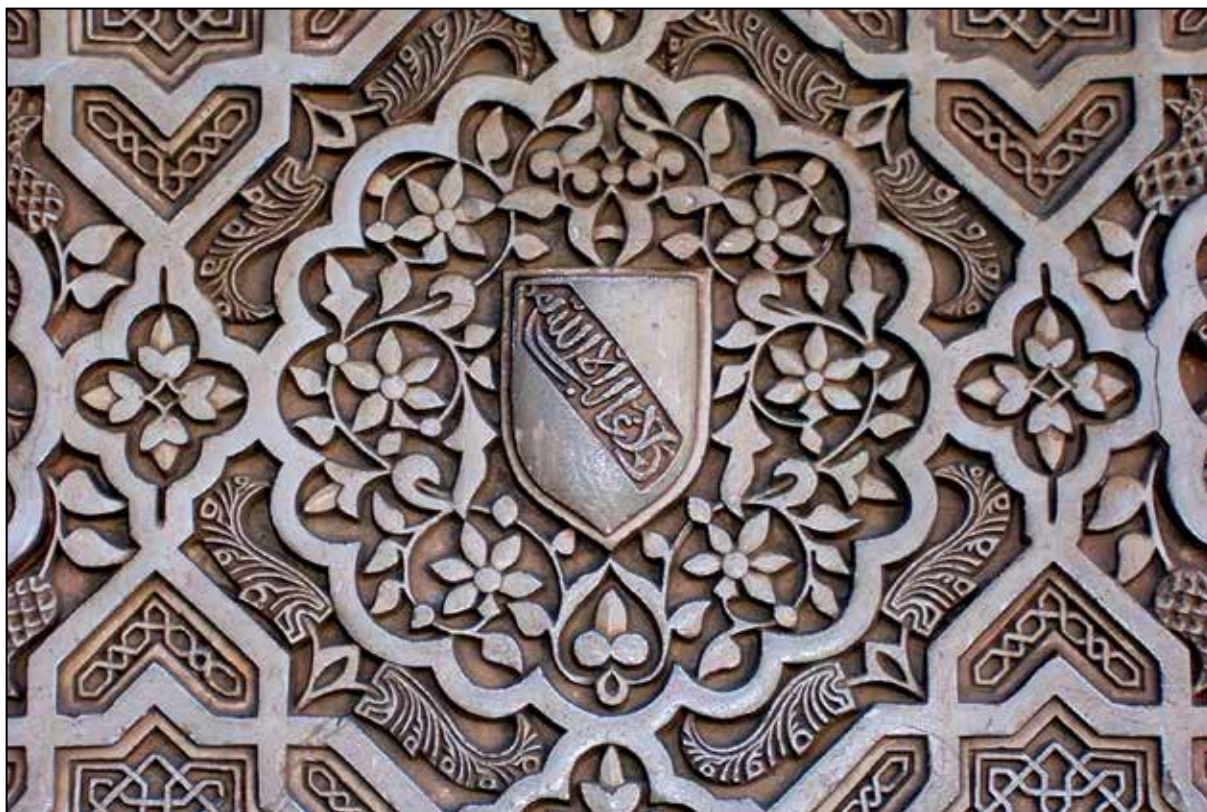
قطعه کلاسیک خاطرات الحمرا اثر فرانسیسکو تارگا، آهنگ‌ساز اسپانیایی، ساخته شده برای گیتار کلاسیک است. این قطعه در میزان‌نمای ۳/۴، در تنالیته لا مینور شروع و سپس با مدولاسیون^۹ یعنی تغییر گام آهنگ، در تنالیته لا ماژور ادامه پیدا می‌کند. فرم این قطعه باینری^{۱۰} (دو بخشی) (A B) و همراه یک کدا^{۱۱} است. سرعت اجرایی این قطعه Andante است که به گفته فریدون ناصری به معنای اجرای موومانی با سرعت سنگین ولی

- آب در مجموعه الحمرا

آب در مجموعه الحمرا دو کارکرد دارد: اول، در ایده اولیه ساخت بنا که ایجاد فضایی برای تداعی نهرهای بهشتی بر روی زمین است و دوم، ایجاد جلب توجه شنیداری و دیداری و حرکت آن در کل بنا است که موجب پویایی و آرام‌بخشی است. آب عنصر اصلی و ارتباط‌دهنده بین فضاها است (پاینده و همکاران، ۱۳۹۹، ۷).

قطعه خاطرات الحمرا

ساخت قطعه موسیقی برای یک بنا، کار بی‌سابقه‌ای نیست. آیزاک آلبنیز^{۱۲}، آهنگ‌ساز اسپانیایی، مجموعه هفت قطعه‌ای را تدوین کرده است که هر کدام به یک بنای اسپانیایی اشاره دارد و اثر شماره ۴ به الحمرا می‌پردازد (Buch, 2020). از میان آثار با موضوع قصر سرخ گرانا، که شرح سه اثر از نمونه‌ها در مقدمه رفت، قطعه خاطرات الحمرا با موضوع الحمرا اثر فرانسیسکو تارگا، آهنگ‌ساز کلاسیک است. این قطعه نقطه مقابل قطعه‌ای مانند الحمرای آمیگو است و با بیانی بسیار ساده و دل‌نشین و فقط با یک ساز (گیتار کلاسیک) و تکنیک ترمولو اجرا



تصویر ۴. خطوط به کار رفته در الحمرا (URL 4).



تصویر ۵. کتیبه‌ها و تزئینات کاشی‌کاری الحمرا (URL 5).

Recuerdos de la Alhambra

Francisco Tárrega
(1852-1909)



تصویر ۶. بخش آغازین قطعه الحمرا و تکنیک ترمولو (URL 6).



تصویر ۷. کرشندو و دکرشندو در قطعه الحمرا (URL 7).



تصویر ۸. مدولاسیون از تنالیته لاینور به تنالیته لا ماژور (URL 8).

جدول ۲. شکل بیانی عناصر زیبایی‌شناسانه و ساختاری قطعه خاطرات الحمرا و کاخ الحمرا (نگارندگان).

کاخ الحمرا		زمینه مقایسه	
تکرار منظم و هم‌آهنگ اشکال، ستون‌ها، قوس‌ها	توالی و تناوب کشش اصوات و سکوت‌ها روی ضرب‌ها	ریتم	زیبایی‌شناسی
نسبت‌های هندسی اجزای هم‌آهنگی اجزا مانند تناسب و هم‌آهنگی ستون‌ها در حیاط شیران	نسبت‌های صوتی نت‌ها و هارمونی آکوردها	تناسبات و هم‌آهنگی	
سایه‌روشن و بلندی و کوتاهی	صداها و سکوت‌ها، صدای قوی، صدای ضعیف، تندی و کندی اجرا	تضاد	
در ظاهر بنا مانند حیاط شیران (تصویر ۷)	در جمله‌بندی قطعات، تقارن از نظر تعداد میزان و بیان جمله موسیقی رعایت می‌شود.	تقارن	
نسبت‌های هندسی در اجزا بنا که عینی و تجربیدی است. هندسه لوزی‌شکل که فواره حیاط شیران بر آن است.	نسبت‌های ریاضی‌وار نت‌ها و تقسیمات کشش‌ها که سمعی و تجربیدی است.	هندسه	
کاربرد رنگ در بنا	رنگ صوتی برای ایجاد موزیکالیته در قطعه و اجزای دل‌نشین	رنگ	
سطوح پر و خالی	شدت و ضعف صدا در اجرا (کرشندو و دکرشندو)	سایه‌روشن	
معماری مکان‌مند است.	موسیقی زمان‌مند است.	زمان و مکان	ساختار
القا حرکت و سکون با اجزا ساختاری در بنا	حرکت در ملودی و سکون در سکوت‌ها	حرکت و سکون	
فضای مادی و عینی	فضای تجربیدی و غیر ملموس	فضا	
شکل کلی مجموعه الحمرا	فرم دو بخشی همراه کدا	فرم	

انجام می‌گیرد (تصویر ۸).

و عبارت موسیقایی است.

عناصر مشترک در معماری و موسیقی

موسیقی هنری است که بر پایه نظام اصوات در قالب زمان شکل گرفته و از چهار بخش بنیادی تشکیل شده است. زیری و بمی صوت ۱۵، دینامیک ۱۶، رنگ ۱۷ و کشش ۱۸ (کیمین، ۱۳۸۷، ۳۷). صوت: صوت موجی است که از طریق هوا به‌عنوان یک واسطه از یک شی مرتعش، مانند ساز موسیقی که منبع صوت است، به گوش منتقل

برای ایجاد حس سایه روشن در فضای شنیداری قطعه از کرشندو^{۱۳} (افزایش تدریجی قدرت صدا) و دکرشندو^{۱۴} (کاهش تدریجی قدرت صدا) استفاده می‌شود (تصویر ۷). اجرای ترمولو همراه با کرشندو و دکرشندو عمق حسی بیش‌تری به موسیقی خواهد داد.

مدولاسیون این قطعه از تنالیته لامینور به تنالیته لا مازور

در آفرینش الهی ملموس و قابل درک است. در هنرها نیز تضاد در فواصل پر و خالی در معماری و کاربرد سکوت و صدا در موسیقی دیده و شنیده می شود. هارمونی در استفاده از تناسبات طلایی در معماری و نسبت‌های نت‌های گام در موسیقی قابل درک است. نسبت نت = و = است (سراج، ۱۳۸۹، ۱۹۸). تقارن، توزیع برابر فرم و فضا حول یک محور یا یک نقطه مرکزی است و باعث ایجاد آرامش و سکون بصری می‌گردد (تصویر ۹).

ریتم و زمان نیز از مفاهیم بسیار مهم در معماری و موسیقی هستند و مفهوم زمان در موسیقی بسیار خوب درک می‌شود. ریتم، نبض ساختار موسیقی است و آن را پیش می‌راند. تمام فعالیت‌ها دارای ریتم هستند و در موسیقی نیز ضربان و تپش معمولاً ویژگی و نوع موسیقی را معلوم می‌کند. در معماری، تکرار منظم و هماهنگ اشکال، رنگ‌ها، بافت‌ها و ... ریتم را تشکیل می‌دهد (صادق‌پور و خلیل‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۰۶). ریتم موسیقی، تکرار منظم قطعات زمانی است که علاوه بر ایجاد نظم، حس پویایی را القا می‌کند. ریتم موسیقی وابسته به زمان بوده و ریتم معماری مکان‌مند است. ریتم در معماری از طریق تسلسل هم‌آهنگ، نور، رنگ ملایم و خطوط صاف و منحنی خود را نشان می‌دهد. ساده‌ترین نوع ریتم در معماری، تکرار منظم عناصر معماری در امتداد یک خط است (سمیع‌پور و سیدیان، ۱۳۹۴، ۱۰۳). آن‌طور که والری گونزالس^{۱۹} بیان می‌دارد ریتم در سه بُعد، بازی هوش‌مندانه‌ای با تناوب بین تضادها مانند پروخالی، روشنی و تاریکی و فضای بازوبسته است؛ آهنگ بصری با نت‌های گوناگون (Gonzales, 2001, 87). از عناصر ساختاری معماری و موسیقی زمان و مکان، حرکت و سکون، فضا و فرم را می‌توان نام برد. به گفته سراج، معماری، موسیقی مکان است و موسیقی معماری زمان (سراج، ۱۳۹۰). معماری و موسیقی هر دو دارای فرم هستند. فرم در موسیقی ساختار کلی یک قطعه است که به کارکرد آن مربوط می‌شود. به همین ترتیب در معماری، فرم ساختمان با برنامه معماری آن ارتباط دارد. رنگ صوت یک ویژگی غیرقابل اندازه‌گیری است و ارتباط مستقیم با ابزار تولیدکننده صدا دارد. هارمونی موسیقی در زمان و معماری در مکان ساخته می‌شود و برای زیبایی

می‌شود، پرده گوش را به نوسان درآورده و پیام‌هایی به مغز گسیل می‌سازد و در مغز تفسیر می‌گردد (همان). هر صوت دارای درجه زیری و بمی مشخصی است. دینامیک: به میزان شدت صدا که بستگی کامل به دامنه نوسانی دارد، گفته می‌شود. علایم دینامیکی مانند کرشندو به معنی به تدریج قوی کردن صدا و دکرشندو به تدریج ضعیف کردن صدا است. رنگ صوتی: کیفیتی که باعث تمایز صداها از هم می‌گردد و تنوع و تضاد می‌آفریند (همان، ۴۱). کشش: مقدار کشیدگی یک صدا در طول زمان است. از ترکیب نت‌ها به همراه کشش زمانی، جمالتی به وجود می‌آید که باید به گوش خوش آیند باشد. جمالت با تناسب و در ارتباط با یکدیگر به هم متصل می‌شوند تا قطعه‌ای شکل گیرد (سراج، ۱۳۸۹، ۲۴۲).

از سوی دیگر معماری علم مواد و مصالح، هندسه اشکال و احجام و هنر ترکیب و تزیین برای پاسخ‌گویی به نیازهای جسمی و روحی انسان است. معماری نیز مانند موسیقی دارای دو جنبه علم و هنر است و رعایت نسبت‌ها در هر دو الزامی است (همان، ۱۸۹). معماری یک پدیده عینی است که با فضا و بُعد سر و کار دارد و ملموس است، ولی موسیقی ناملموس و متکی بر ذهن و شنیداری است (صادق‌پور و خلیل‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۱۰). به ظاهر این دو پدیده کاملاً از هم مجزا هستند، اما در واقعیت این‌طور نیست و به غیر از عنصر صوت در موسیقی و عناصر مادی یا فضا در معماری، می‌توان گفت در بسیاری از موارد اعم از ریتم، فضاهای مفهومی و ... عناصر دیگری بین معماری و موسیقی مشترک هستند. از اشتراکات آن‌ها می‌توان به نسبت‌های دقیق ریاضی استفاده شده در معماری و موسیقی اشاره کرد. موسیقی و معماری به دلیل نسبت ذاتی با عدد و هندسه و نسبت این دو با فلسفه، تاریخی نسبتاً شفاف در تمدن اسلامی دارند (بلخاری‌قهی، ۱۳۸۸، ۶۴). همان‌طور که سراج بیان می‌دارد از عوامل زیبایی در هنرهای سمعی و بصری به تقارن، تضاد، هارمونی باید اشاره کرد. تقارن در خلقت الهی مانند طبیعت به زیباترین صورت وجود دارد و تقارن در موسیقی تقارن آیین‌های است، به این معنی که نت‌های بالارونده به صورت تضاد در جهان هستی مانند روز و شب، نور و ظلمت دیده می‌شود و همین‌طور تناسبات طلایی به عنوان نمونه بارز هارمونی

جدول ۲ شکل بیانی آن‌ها با هم متفاوت است. عناصر زیبایی‌شناسانه اثر خوش‌آیندی در نظر مخاطب گذاشته و معنا و ارزش ویژه‌ای به اثر می‌بخشد. علت زیبایی موجود در معماری و موسیقی، توجه به تناسبات زیبا در هندسه و عدد است. رعایت نسبت‌ها در هر دو هنر الزامی است زیرا سازنده زیبایی هستند که در معماری، دیداری و در موسیقی، شنیداری است. موسیقی‌دان و معمار برای خلق اثری متعالی، با کالبد مادی و همین‌طور با کالبدی از جنس اصوات و به کمک عناصر زیبایی‌شناسانه، فضایی را می‌آفریند که می‌تواند مخاطب را در تجربه مواجهه با آن، به درک مفاهیم کامل و متعالی سوق دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Ojos de la Alhambra
۲. Vicente Amigo (-۱۹۶۷) آهنگ‌ساز اسپانیایی سبک فلامنکو و نوازنده چیره‌دست ساز گیتار.
3. Recuerdos de la Alhambra
۴. Francisco Tarrega (۱۸۵۲-۱۹۰۹) آهنگ‌ساز اسپانیایی دوره رمانتیک و نوازنده گیتار.
5. Alhambra
۶. Oliver shanti. (۱۹۴۸-۲۰۱۶) نوازنده، آهنگ‌ساز و تهیه‌کننده موسیقی آلمانی.
7. Montgomery Watt
۸. Isaac Albéniz (۱۸۶۰-۱۹۰۹) نوازنده پیانو و آهنگ‌ساز اسپانیایی.
۹. Modulazione مدرگردی یا تغییر مد یا گام آهنگ. مدولاسیون رفتن از یک گام به گام دیگر است.
10. Binary
۱۱. Coda دم، دنباله. تعیین کننده پایان یک جمله یا یک قطعه موسیقی است.
- Tremolo
۱۳. Crescendo افزایش تدریجی صدا.
۱۴. Decrescendo کاهش تدریجی صدا.
15. Sound
16. Dynamic
17. Timbre
18. Duration
19. Valerie Gonzalez

فهرست منابع

الف / فارسی

- انصاری، جمال (۱۳۶۰)، «هنر مقرنس‌سازی در آثار معماری ایران»، موزه‌ها، شماره ۱، صص ۲۷-۱۴.
- بلخاری‌قهی، حسن (۱۳۸۸)، **سرگذشت هنر در تمدن اسلامی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- پرایس، کریستین (۱۳۵۶)، **تاریخ هنر اسلامی**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پاینده، الهام، شریفی، الهه، سلطانی، مرضیه (۱۳۹۹)، «نقش آب در مجموعه الحمرا»، ششمین همایش بین‌المللی مطالعات معماری و شهرسازی در جهان اسلام.

در ساختار، عناصر سازنده هر دو باید از هارمونی مناسبی برخوردار باشند. موارد ذکر شده مانند ریتم، تناسب، هندسه، تضاد، تقارن و ویژگی‌هایی هستند که به‌طور مشترک حس زیبایی را در معماری و موسیقی برمی‌انگیزند. معماری و موسیقی از لحاظ کاربرد و جوهره دارای عملکرد هستند. معماری، کاربردی بودن آن و در موسیقی فرم‌های متفاوت آن دارای کاربرد هستند. علایم بصری معماری و صدا در موسیقی دارای کالبد و جوهره است (کمالی و اردلانی، ۱۴۰۱، ۴۱۵). وجود عناصر متقابل نام برده شده در جدول ۱ مقایسه شده و شکل بیانی هر کدام در جدول شماره ۲ ذکر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

هنرهای مختلف از دیرباز با یکدیگر در ارتباط بوده و به رشد و بالندگی و اغنای یکدیگر کمک نموده و منجر به خلق ایده‌های جدید شده‌اند. بررسی تأثیرات متقابل دو هنر معماری و موسیقی از گذشته تاکنون مورد توجه اندیشمندان و نظریه‌پردازان بوده‌است. تفاوت و تمایز معماری و موسیقی در ذات این دو هنر است. یکی به‌وسیله اصوات، فکر و ایده ذهنی‌اش را بنا می‌کند و دیگری با عناصر مادی، کالبدی عینی خلق می‌نماید. در مورد شباهت این دو هنر، معمار و موسیقی‌دان هر دو برای خلق اثر، فضا می‌آفرینند. معماری و موسیقی هر دو از بستر فرهنگی بهره می‌گیرند و احساسات و فضایی را به مخاطب القا می‌کنند. در پژوهش حاضر که با هدف خوانش تطبیقی دو هنر معماری و موسیقی با مطالعه موردی قطعه خاطرات الحمرا از فرانسیسکو تارگا و کاخ الحمرا انجام گرفت، مشخص شد که عناصر و عوامل ساختاری، زیبایی‌شناختی این دو هنر مشابه هستند و تفاوت در نوع بیان و زبان این دو است. در پاسخ به سوالات فرعی ۱- عناصر ساختاری و زیبایی‌شناختی کاخ الحمرا چه مواردی هستند؟ ۲- قطعه خاطرات الحمرا از چه عناصر ساختاری و زیبایی‌شناختی تشکیل شده‌است؟ عناصر زیبایی‌شناسانه در هر دو هنر شامل ریتم، تناسب، تضاد، تقارن، هندسه، رنگ و سایه‌روشن است و نیز عنصر ساختاری شامل زمان و مکان، حرکت و سکون، فرم و فضا است. با توجه به جدول ۱ تمام این عناصر در معماری و موسیقی وجود دارد، با این تفاوت که مطابق

جلال کمالی، فاطمه، اردلانی، حسین (۱۴۰۱)، «اهمیت تناسب در هنر معماری و موسیقی»، پژوهش‌های فلسفی، شماره ۳۹، صص ۴۲۱-۴۱۰.

چلونگر، محمدعلی، عباسی، علی اکبر (۱۳۸۷)، «الحمرا نمود هنر و معماری بنی نصر»، نشریه تاریخ اسلام، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۶۳-۸۲. زمانی، عباس (۱۳۵۰)، «مقرنس تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، هنر و مردم، شماره ۱۰۲ و ۱۰۳، صص ۲۵-۸. سراج، سید حسام‌الدین (۱۳۸۹)، «از گذر گل تا دل»، چاپ اول، تهران: کتاب نیستان.

سمیع‌پور، تیمن، سیدیان، سیدعلی (۱۳۹۵)، «تعبیر عناصر موسیقی و معماری با زبان مشترک نمونه موردی موسیقی و معماری سنتی ایران»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر، سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان، صص ۹۹-۱۱۲.

صادق‌پور فیروزآبادی، ابوالفضل، خلیل‌زاده مقدم، مریم (۱۳۹۰)، «زبان مشترک در معماری و موسیقی و بررسی آن در هنرهای ایرانی»، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۲، صص ۱۱۱-۱۰۶.

کونل، ارنست (۱۳۵۵)، **هنر اسلامی**، ترجمه هوشنگ طاهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.

کیمی‌بن، راجر (۱۳۷۷)، **درک و دریافت موسیقی**، ترجمه حسین یاسینی، چاپ اول، تهران: چشمه.

گروتز، یورک (۱۳۸۳)، **زیبایی‌شناسی در معماری**، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

مهدی‌نژاد مقدم، لاله، خزایی، محمد (۱۳۸۶)، «نقوش مقرنس‌های ایلیخانی در بسطام»، فرهنگ قومس، شماره ۱۱، صص ۸۹-۸۴.

میرزایی، فاطمه، سالاری‌نسب، فرنگیس (۱۴۰۰)، «بررسی عناصر و نمودهای معماری اسلامی در اسپانیا (نمونه موردی: کاخ الحمرا)»، ششمین همایش مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، تهران، ناصر، فریدون (۱۳۸۲)، **فرهنگ جامع اصطلاحات موسیقی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات روزنه.

نجیب اوغلو، گلو (۱۹۹۵)، **هندسه تزئین در معماری اسلامی**، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات روزنه.

نیک‌اندام مقدم، نگار (۱۳۸۳)، **الامبرا، باسه بیان موسیقایی**، مقام موسیقایی، شماره ۳۲، آبان، صص ۵۵-۵۳.

وات، مونتگمری (۱۳۵۹)، **اسپانیای اسلامی**، ترجمه محمدعلی طالقانی، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

هیلن‌براند، روبرت (۱۳۸۰)، **معماری اسلامی**، ترجمه آیت‌الله باقرزاده شیرازی، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.

ب / غیرفارسی

Buch, David (2020), Concepcion Gomez de Jacoby: Tarrega's Enigmatic Patron and Recuerdos de la Alhambra, University of Northern Iowa.

Gonzalez, V. (2001), Beauty and Islam: Aesthetics in Islamic Art and Architecture. London: I.B. Tauris.

ج / پایگاه‌های اینترنتی

URL 1 : B2n.ir/p01068/1402/09/15

URL 2 : B2n.ir/s29174/1402/09/15

URL 3 : B2n.ir/r83214/1402/09/15

URL 4 : B2n.ir/b21461/1403/02/11

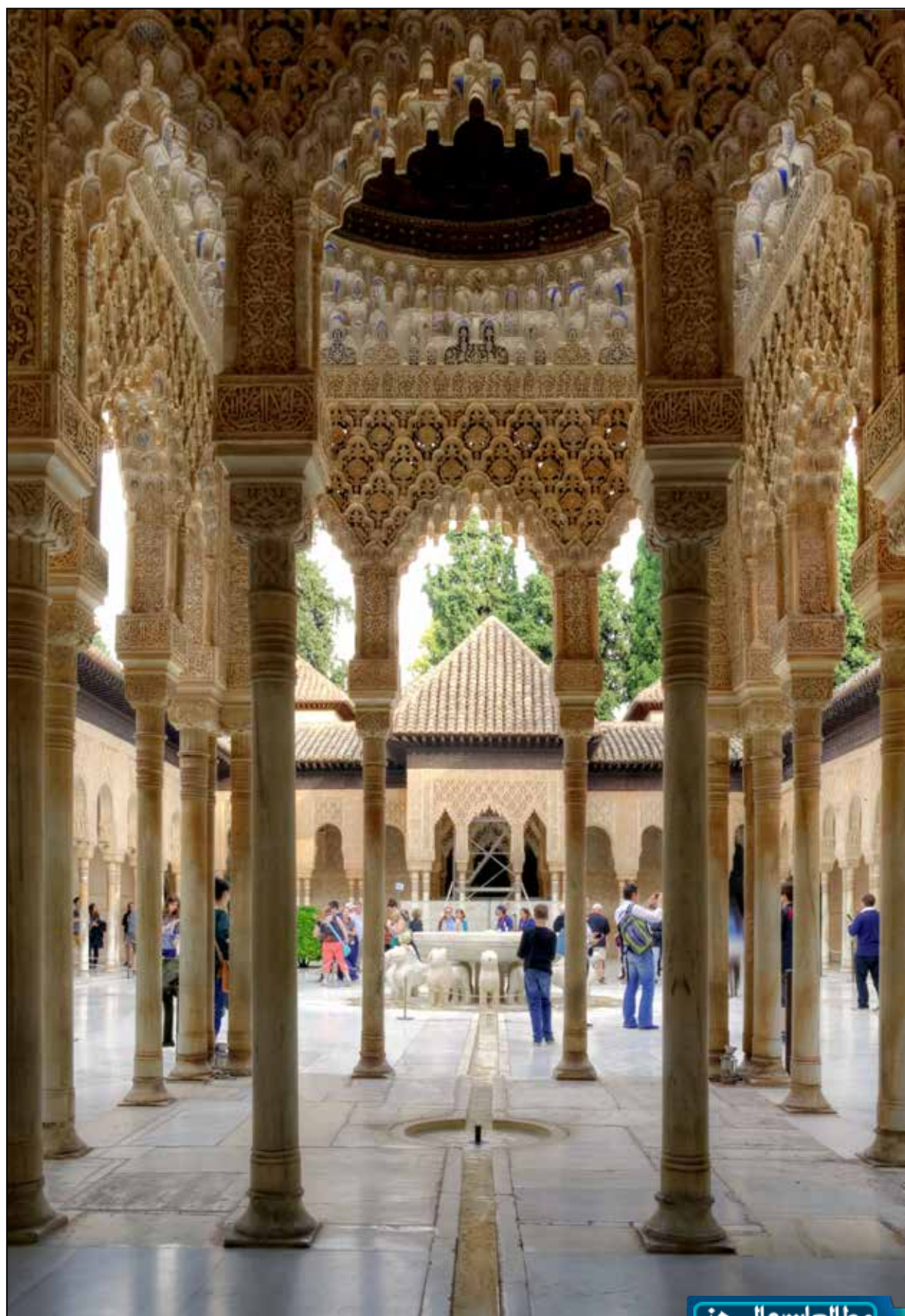
URL 5 : B2n.ir/b30824/1403/02/11

URL 6 : B2n.ir/b97932/1402/09/15

URL 7 : B2n.ir/b97932/1402/09/15

URL 8 : B2n.ir/b97932/1402/09/15

URL 9 : B2n.ir/q24148/1403/02/11



A Comparative Study of the Architecture of the Alhambra Palace and Recuerdos de la Alhambra by Francisco Tarrega

Pejman Dadkhah

Assistant professor of Research of art, Institut Eghbal Lahouri, Mashhad, Iran.

Farnaz Khiabani

Master 2 of Research of art, Markaz Tehran branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Received: 21 April 2024, Accepted: 31 May 2024).

Abstract

The Alhambra Palace is a one of the most famous monuments of Islamic architecture located in Granada, Andalusia, Spain. It has inspired artists for artistic creations. Francisco Tarrega is one of the artists who influenced by the unique beauty of the Alhambra palace, created a work called Recuerdos de la Alhambra for classical guitar. The piece is performed with the tremolo technique and is one of the important pieces in the classical guitar repertoire. Due to the importance of this piece to classical guitar players, the purpose of this paper is a comparative study of the architecture of the Alhambra Palace and Recuerdos de la Alhambra. This article examines the common elements of architecture and music in a descriptive-analytical way and the use of library and internet resources, and then analyzes and examines the influential elements of the architecture of the Alhambra Palace in the Tarrega piece. The results show that despite the differences in the world of architecture and music the Alhambra Palace and Recuerdos de la Alhambra have something in common and influence the perception and feeling of the audience by their influence on each other.

Keywords

Alhambra Palace, Recuerdos de la alhambra, Francisco Tarrega, Spanish Architecture, Classical Guitar.